

فایده

توحید

واژه‌ای عربی، از ریشه (و. ح. د) مصدر باب تفعیل است. و در لغت به معنای یکی کردن و هم یکی دانستن^(۱) آمده است. ولی هر گاه برای خداوند متعال استعمال شود، به معنای یکی دانستن است.^(۲)

این واژه، در عرف و اصطلاح دینی یکی از اصول اسلامی بلکه از مهمترین اصول دین به شمار می‌رود. و به معنای «یگانه دانستن خدا» است نه یگانه دانستن هر چیز و هر کسی.

توحید، از حیث مفهوم و معنایی دارای انواعی است:

الف. توحید ذاتی

توحید ذاتی عبارت است از اعتقاد به این که ذات خدای متعال یگانه است و برای او مثل و شریکی وجود ندارد. چنانچه ذات الهی بسیط است و از هر گونه ترکیب درونی نیز منزّه است. پس ذات خداوند متعال نه دارای تعدد و کثرت بیرونی است؛ یعنی خدایان متعدد وجود ندارد و نه دارای اجزاء و تکثیر درونی است؛ یعنی مرکب نیست. بلکه خداوند متعال «واحد» و «احد» است. «قل هو الله احد»، بگو خدا یکتاست و برای او هیچ گونه تعددی و تکثری و ترکیبی نیست. «لیس کمثله شیء»، برای خدا مثلی وجود ندارد. «و لم یکن له کفواً احد» برای خدا مثلی نیست.^(۳)

توحید صفاتی

یعنی صفات خداوند از قبیل علم، قدرت، حیات، اراده، ادراک و... عین ذات او است. و خارج از ذات او نیست. به عبارت دیگر، مقصود از توحید صفاتی آن است که صفات خداوند متعال زائد

- اگر کسی نمی‌آید، من خودم می‌روم.

حالا دیگر محمدحسین آرام گرفته بود و می‌خندید؛ اما نه مثل قبل که در تکاپو بود و می‌خندید. گریه امانم را بریده بود. صورتش را بوسیدم و او را بلند کردم. ردّ خون او بر زمین جاماند. صورتش خیس اشک شده بود.

اوایل جنگ بود که با آمبولانس مجروحان را به تهران و بیمارستان‌ها منتقل می‌کرد؛ اما این تنها کار او نبود. به مجروحین سر می‌زد و با لبخند و حرف‌های محبت‌آمیزش آن‌ها را دلداری می‌داد. حالا من بودم و پیکر او که آرام گرفته بود.

راه آمده را برمی‌گشتیم. به همان جایی رسیدیم که تابلو لبخند بود. نگاهم به تابلو افتاد؛ اما خنده بر لبم خشک شد. «لبخند بزن برادر!» دیگر تحمل نکردم. دوباره اشک بر گونه‌هایم سرازیر شد. به شیرازی نگاه کردم. کمی به هوش آمده بود. خود را توی قایق دید. و لباسش به سرخی خونش آغشته بود. آرام لبش را گشود. فکر کردم آب می‌خواهد. نزدیکش شدم گفت:

- ملک محمدی... حالش چطور است.

نمی‌خواستم شیرازی بداند که محمدحسین شهید شده. بغض راه گلویم را بسته بود. باید به خودم روحیه می‌دادم و بعد به شیرازی و بقیه بچه‌ها. با صدای گرفته‌ای گفتم: «حالش خوب است. مشکلی ندارد.»

- پس چرا ناله نمی‌کند؟ من که ناله‌اش را نمی‌شنوم. چه می‌توانستم بگویم. به آب رودخانه نگاه کردم. ستاره‌های ریز توی آب نبودند. هر چه بود آب بود و آب. آفتاب داشت به طرف مغرب می‌رفت؛ اما این بار محمدحسین را زنده نمی‌دید. شیرازی سرش را به سختی بلند کرد و چشم دوخت به محمدحسین و بچه‌هایی که توی قایق بودند. زخم‌های خود را از یاد برده بود.

- می‌دانم؛ محمدحسین زنده نیست. دستی به شانه‌اش زدم که خودش را تکان ندهد. سرش را به آرامی خواباند و آهی کشید و به آسمان چشم دوخت. - نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم زنده باشد. شیرازی اما باورش شده بود که محمدحسین شهید شده است. لب‌های خشکش تکان خورد: «نه... نه... زنده نیست.»

قطره اشکی از گوشه چشمش سرازیر شد. باید به او می‌گفتم که محمدحسین پرواز کرده.

- بالاخره خدا او را طلبیده که شهید شده.

به اسکله رسیدیم. قایق ایستاد. بچه‌ها در انتظارمان بودند. محمدحسین غرق در خون کف قایق دراز کشیده بود و لب‌هایش تکان نمی‌خورد؛ اما گل لبخند در صورت غرق به خونش شکوفا بود.



احمد طاهری نیا

توحیدی

توحید در ربوبیت تشریعی

عبارت است از آن که انسان دستورالعمل زندگی را تنها از خدا بگیرد. حق قانون‌گذاری را تنها برای او قائل باشد و هیچ موجود دیگری را به طور مستقل مستحق وضع قانون نداند؛ به این معنا که قانونی برای او معتبر باشد که به اذن الهی تشریع شده باشد، همان اذنی که خدا به پیامبر و امام معصوم داده و این اذن از سوی معصوم به طور صریح به فقیهان واجد شرایط منتقل شده است.^(۷) و این مصداق آیه شریفه «اگر کسی به غیر از آنچه خداوند نازل کرده حکم کند، از دسته کافران است.» می‌باشد. (مائده: ۴۴)

توحید در عبادت

آن است که انسان موحد بر این باور باشد که جز ذات پروردگار هیچ موجودی شایسته عبادت و پرستش نیست؛ همان خدایی که رب و قانونگذار مطلق است سزاوار پرستش و عبادت نیز هست.^(۸)

پی‌نوشتها

۱. فرهنگ معین، المعجم الوسیط
۲. وحده الله سبحانه: اقروا امن بانه واحد - و الشی: جعله واحداً (المعجم الوسیط)
۳. ر.ک. به: استاد مصباح، آموزش عقائد، حدیث ۱، ص ۱۶۲ / مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲، ص ۳۳
۴. ر.ک. به: مرتضی مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۳۳، آموزش عقاید، ج ۱، ص ۱۶۴ / سبحانی، الهیات، ج ۱، ص ۳۸۲
۵. استاد مصباح، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۴ / مرتضی مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۳۳
۶. استاد مصباح، توحید، ص ۲۱
۷. همان، ص ۲۲ و ۲۳ / الهیات، ج ۱، ص ۴۲۵
۸. همان، ص ۲۶، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲، ص ۳۴، الهیات، ج ۱، ص ۴۲۹

بر ذات او نیست که موجب تکثر شود بلکه همه صفات خدا در وجود، عین یکدیگر و عین ذات الهی است.^(۴)

توحید افعالی

در اصطلاح فلاسفه و متکلمین به این معناست که خدای متعال در انجام کارهای خود نیازی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و هیچ موجودی نمی‌تواند هیچ‌گونه کمکی به او کند. به عبارت دیگر، خداوند در تدبیر امور و انجام کارها، مثل و مانند و شریکی ندارد.

توحید در خالقیت

اعتقاد به این که جهان هستی آفریده یک آفریدگار است و آن خدای متعال است. بسیاری از مشرکین نیز این مرتبه از توحید را باور داشتند: اگر از بت پرستان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید به حتم خواهند گفت: خدا.^(۵)

توحید در ربوبیت تکوینی

آن است که تدبیر و اراده جهان در واقعیات هستی را به دست خدای متعال بدانیم و معتقد باشیم که گردش ماه و خورشید و پدید آمدن روز و شب و حیات و مرگ انسان‌ها و نگهداری مخلوقات و جهان از تصادمات و برخوردهای تباه کننده با خداست و اوست که آسمان و زمین را نگهداری و حفظ می‌کند. و همین‌طور هر موجودی از این جهان که وجود بیاید، رشد کند، تولیدمثل کند و بمیرد و یا هر آثار وجودی از او ظاهر شود، همگی یک‌جا تحت تدبیر و اراده الهی است. و هیچ پدیده‌ای خارج از حوزه ربوبیت خدای متعال وجود ندارد.^(۶)

